

کارگران هندی صنعت نفت ایران در اواخر قاجاریه و دوران پهلوی اول

جمشید نوروزی*

فاطمه معزی**

چکیده

با توجه به همجواری تاریخی ایران و هند و قدمت روابط سیاسی و فرهنگی و اقتصادی آنها، همواره شماری از ایرانیان و هندیان در سرزمین های یکدیگر حضور داشته و به فعالیت در زمینه های فرهنگی و اقتصادی پرداخته اند. این پژوهش تاریخی با رویکرد توصیفی - تحلیلی و بر مبنای داده/های اسناد و منابع به بررسی سیر حضور و اشتغال کارگران هندی در صنعت نفت ایران از اواخر عهد قاجاریه تا پایان سلطنت پهلوی اول و پیامدهای آن می پردازد. این نوشتار به این موضوع می پردازد که حضور و اشتغال کارگران هندی در صنعت نفت ایران چرا و چگونه صورت گرفته و چه پیامدهایی در جامعه ایران به جا گذاشته است؟ یافته ها بیانگر آن است که ورود کارگران هندی به صنعت نفت ایران و استمرار حضور آنان به واسطه عواملی چون سیاست مدیران بریتانیایی شرکت نفت ایران و انگلیس برای استفاده از نیروی کار متخصص و ارزان و نیز تأمین منافع اقتصادی بریتانیا بوده است. این امر سبب شده تا کارگران هندی که با گذر زمان به عنوان یک اقلیت در نواحی چون خوزستان مستقر شدند؛ ضمن حفظ برخی مظاهر فرهنگی و آداب و رسوم خود، تأثیرات اندک فرهنگی و زبانی در این مناطق به جای گذاشته اند.

کلیدواژه ها: ایران، بریتانیا، قاجار، کارگر هندی.

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، njamshid1346@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه پیام نور، fatooli@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

۱. مقدمه

پیشینه ارتباطات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایرانیان و هندیان و سابقه حضور هندی ها در ایران، بسیار طولانی است. در زمینه قدمت این مناسبات گسترده، اگر از دوران باستان سخن نخواهیم بگوئیم، اشاره به دوران صفویه کفایت می کند که این امر در مقالات و کتاب های بعضی پژوهشگران داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در برخی از سفرنامه ها و منابع اصلی به جا مانده از دوره حکومت صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ق)، مطالب و شواهد قابل توجهی برای مناسبات ایرانیان و هندیان وجود دارد. با وجود اختلافات و جنگ های معدودی که میان حکام ایران و شبه قاره هند وجود داشت، اما به دلایلی چون رونق مناسبات اقتصادی و امنیت راه ها، شمار قابل توجهی از تجار هندی در ایران و شماری از تجار ایرانی در شبه قاره هند حضور داشتند (نوروزی و رضانی، ۱۳۹۴: ۱۶۵).

مراکز استقرار تجار هندی در قلمرو ایران عصر صفوی پراکنده بود، اما بیشترین تجمع آنها، در اصفهان و شهرها و بنادر جنوبی بود. کمپفر (Engelbert Kaempfer) در سفر خود به ایران که در دوره سلطنت شاه سلیمان صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷ق) انجام گرفته، تعداد هندی های مقیم اصفهان را حدود ده هزار نفر برآورد می کند (کمپفر، ۱۳۶۰: ۵۷ و ۱۹۷). حضور جمعیت هایی به این میزان در پایتخت صفویه، نشان می دهد که آنان برای زیست اجتماعی، از آزادی عمل نسبی برخوردار بودند. همچنین، به نظر می رسد، هندی های مقیم اصفهان، عناصری از مظاهر فرهنگی و سبک زندگی خویش را حفظ کرده بودند. افزون بر این، آنها با کمترین مزاحمت و دردسر در کنار اقلیت های دیگر به کسب و کار می پرداختند (فیگوتروا، ۱۳۶۳: ۳۲۶).

مقر مهم دیگر تجار و مهاجران هندی در ایران، بندرعباس بود. هندی های مقیم این بندر، به دو گروه مورهای مسلمان و بانیانیت پرست تقسیم می شدند. گروه دوم، درکنار اشتغال به امور اقتصادی چون تجارت و دلالتی، ظاهراً آداب و سنن قومی خود را به جا می آوردند (بازماندگان خمیری، ۱۳۹۰: ۲۸۶). به نوشته کمپفر (۱۳۶۰: ۱۹۷): «اینها، همه طبق رسوم و آیین خاص خود زندگی می کنند و حق دارند لباس خاص خود را بپوشند، به زبان خود سخن بگویند و از دین خود پیروی کنند». این مهاجران برای برگزاری مراسم اعیاد خود، محلی خاص داشتند (همان، ص ۲۱۹). البته گاه، به دلایلی چون وارد کردن ضررهایی به اقتصاد ایران، مورد تهاجم قرار می گرفتند. حتی زمانی، فرمانی برای شکستن بت های معابد آنها صادر شد؛ اما این قبیل فرامین و برخوردها، آنقدر تکرار نمی شد که

باعث شود شمار قابل توجهی از آنان ایران را ترک کنند (حسینی خاتون آبادی، ۱۳۵۲: ۵۴۱). به غیر از تجار، مندرجات برخی تحقیقات منتشره (جعفریان، ۱۳۷۹: ۸۰۰)، از حضور بردگان و کنیزان هندی در این دوره تاریخی سخن می‌گویند.

بعد از سقوط صفویه، به سبب هرج و مرج و ناامنی حاکم بر ایران، زمینه مناسب استمرار فعالیت تجار هندی تا حدود زیادی از میان رفت و بسیاری به موطن خویش بازگشتند. با وجود بازگشت تجار هندی از ایران، دیگر گروه‌های اجتماعی چون کارگران هندی در مناطق جنوبی ایران کمابیش حضور داشتند. با وجود نبود اطلاعات مفصل درباره گروه اخیر، دور از ذهن نیست که بخشی از کارگران هندی در اموری مانند بازرگانی، ماهیگیری و کشتی‌رانی به کار اشتغال داشتند.

به دنبال اکتشاف نفت در ایران، در سال ۱۳۲۱ق/۱۲۸۲خ/۱۹۰۳م، زمینه حضور و اشتغال گروهی دیگر از هندی‌ها در صنعت نفت ایران مهیا گردید. بخشی از این زمینه‌ها، متأثر از مقارن بودن سلطه بریتانیایی‌ها در شبه قاره هند و نفوذ قابل توجه آنها در حکومت وقت ایران بود؛ البته در شیوه سلطه و نفوذ بریتانیایی‌ها در امور اقتصادی ایران و هند، تفاوت‌هایی وجود داشت. هندی‌هایی که در اواخر حکومت قاجاریه به ایران آمدند، بیشتر کارگران ماهر مورد نیاز صنعت نفت بودند که عمدتاً در خوزستان مستقر شدند. اولین کمپانی‌های خارجی شاغل در استخراج نفت ایران، در جستجوی یافتن کارگران ارزان قیمت و کم‌دردسر، شماری از هندی‌ها را به خدمت گرفتند. این قبیل کارگران هندی، تا چند سال بعد از خاتمه سلطنت پهلوی اول در صنعت نفت ایران باقی ماندند. حضور کارگران هندی در ایران، همانند حضور تجار هندی در دوره صفویه، دارای پیامدهای فرهنگی و اجتماعی بود.

این مقاله که بر مبنای مندرجات پاره‌ای از اسناد و منابع تاریخی و تحقیقات جدید و به شیوه توصیفی-تحلیلی تنظیم شده، دوره زمانی بین سال‌های ۱۲۸۲-۱۳۲۰خ را در برمی‌گیرد. در پژوهش حاضر، تلاش شده با تکیه بر اسناد و منابع موجود، به تبیین گوشه‌هایی از زندگی اجتماعی، مشکلات و مسایل کارگران هندی و خانواده‌هایشان در مناطق نفت خیز خوزستان پرداخته شود. همچنین، بیان زوایایی از فرآیند ترکیب و تلفیق و حذف و استقرار برخی مظاهر فرهنگی و آداب و رسوم کارگران هندی در محل اقامت‌شان در طی چند دهه، از دیگر اهداف این مقاله است.

بیشتر، برخی پژوهش‌ها در خصوص کارگران هندی شرکت نفت ایران و انگلیس به زبان فارسی و انگلیسی صورت گرفته است. مثلاً ویلم فلور (Willem Floor) در کتاب *اتحادیه کارگری و قانون کار در ایران (۱۳۷۱)*، ذیل عنوان «وضع در قلمرو اپک»، به حضور کارگران هندی در کنار کارگران ایرانی و نقش این حضور در شکل‌گیری اعتصابات و اعتراضات در اواخر دوره قاجاریه و اوایل دوره پهلوی پرداخته است. مقاله دیگر، «صنت نفت و تحول جمعیتی و شغلی در مناطق نفت خیز جنوب ایران»، به قلم ربابه معتقدی، محمد امیر شیخ نوری و تورج اتابکی است که در شماره دوم دو فصلنامه *تحقیقات تاریخ اجتماعی (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)* منتشر شده و به روند استخدام کارگران بومی و خارجی در صنعت نفت ایران پرداخته است. تازه‌ترین پژوهش منتشره در این زمینه، مقاله «دور از دیار، در دیاری نو»،^۱ تالیف تورج اتابکی است که در شماره نخست فصلنامه *مردم‌نامه (پاییز ۱۳۹۵)* به چاپ رسیده است. در مقاله مزبور، کارنامه و زمانه کارگران مهاجر هندی در ایران، از همان آغاز کشف نفت تا زمان آغاز جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹خ)، با تکیه بر اسناد مراکز آرشیوی چون آرشیو شرکت بریتیش پترولیوم، آرشیو ملی هندوستان و آرشیو ملی بریتانیا مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش حاضر، سعی بر آن بوده تا با استفاده از مندرجات تعدادی از اسناد منتشر نشده موجود در ایران، به مسائلی جزئی‌تر چون مهاجرت خانواده‌های کارگران هندی، مشکلات پیش روی آنان، مسائل آموزشی فرزندان این مهاجرین و وضعیت زندگی آنها در ایران پرداخته شود.

سوال‌هایی که این مقاله سعی در یافتن پاسخ آنها دارد، دلایل و زمینه‌های حضور هندی‌ها در صنعت نفت ایران؟، چگونگی زندگی کارگران هندی شاغل در صنعت نفت ایران در اواخر عهد قاجاریه و دوران سلطنت پهلوی اول، و پیامدهای حضور این گروه در ایران است.

۲. پیدایی زمینه اولیه حضور کارگران ماهر هندی‌ها در صنعت نفت ایران

قرارداد نفتی میان ایران و ویلیام ناکس داریسی (William Knox D'Arcy)، در نهم صفر ۱۳۱۹ق/هفتم خرداد ۱۲۸۰خ/بیست و هشتم می ۱۹۰۱م، به مدت شصت سال منعقد شد. قراردادی که بر اساس آن، سرمایه‌گذار بریتانیایی، اجازه تفتیش و تفحص و استخراج نفت، حفر چاه‌های نفت، احداث حوض‌ها، محل تلمبه، تأسیس کارخانه و را در سراسر ایران، به غیر از آذربایجان، گیلان، مازندران، خراسان و استرآباد به دست آورد (نفت در دوره رضا

شاه، ۱۳۷۸: ۶-۱۵). سه ماده از این قرارداد هیجده ماده‌ای، مستقیماً به نیروهای انسانی مربوط می‌شد. ماده پنجم، مربوط به حق داشتن مهندسین از جانب شرکت مزبور بود. بر اساس این بند، طرح ریزی و نقشه کار گذاشتن لوله‌ها توسط مهندسین صاحب امتیاز و یا خود او خواهد بود. مطابق مندرجات بند هشتم، صاحب امتیاز باید یک یا چند نفر از اهل خبره را به ایران جهت تفتیش برای کشف معادن نفت بفرستد (نفت در دوره رضا شاه، ۱۳۷۸: ۱۱).

ماده دوازدهم قرارداد داری، بر تابعیت ایرانی کارگران مورد نیاز برای استخراج نفت تأکید داشت. در بخشی از این بند، آمده: «عمله و فعله که در تاسیسات فوق کار می‌کنند، باید رعیت اعلیحضرت شاهنشاه باشند، به استثنای اجزای علمی از قبیل مدیر و مهندس و عماق و مباشرین» (همانجا). در روزگاری که «نود درصد جمعیت فعال کشور در کشاورزی مشغول بودند» (موحد، ۱۳۹۴: ۵۷)، کارگر واژه‌ای بی‌جایگاه بود. زیرا فعالیت صنعتی جدی در ایران صورت نمی‌گرفت، تا پیامدش کارگر به معنای صنعتگر و اهل حرفه صنعتی باشد. روستاییانی که به استخدام شرکت داری در می‌آمدند، به صورت موقت کار می‌کردند و در هنگام برداشت محصول، به روستاهایی خود باز می‌گشتند. عشایر نیز، دائم کوچ می‌کردند و اسکان دایم برای آنها مقدور نبود (معتقدی و شیخ نوری و اتابکی، ۱۳۹۲: ۱۲۳-۱۲۴).

برلز (H.T.Burlz)، مهندس معدن و زمین‌شناسی بریتانیایی، پیش از ورود گروه داری، مامور تهیه گزارش از دو میدان نفتی ذهاب (چیا سرخ) و دره بید شد. او در گزارش خود به تاریخ سوم ربیع الثانی ۱۳۱۹ق/ بیست و نهم تیر ۱۲۸۰خ/ بیستم جولای ۱۹۰۱م در خصوص میدان نفتی چیا سرخ در کرمانشاه، تعداد کافی کارگر گرد با دستمزد روزانه یک قران را برآورد کرد. به نوشته وی، تنها شرط استخدام آنان، جلب همکاری خان محلی با اعضای کمپانی بود (برلز، ۱۳۹۵: ۵). او در خصوص وضعیت استخدام کارگر در منطقه دره بید، نوشت:

ساکنان عرب در حوالی، با کمک شیخ محلی، می‌توانند مشغول به کار شوند؛ بدون شک در ابتدا مشکلاتی وجود خواهد داشت، اما با پرداخت‌های منظم و رفتار خوب، تعداد کافی می‌توان به دست آورد. مهم‌ترین عامل در تعامل با بومی‌ها، روش برخورد با آنهاست؛ زیرا به افراد غریبه‌ای که وارد منطقه می‌شوند، با شک نگاه می‌کنند (برلز، ۱۳۹۵: ۳).

داری بعد از دریافت گزارش‌های دقیق مورد اشاره، فعالیت خود را در ۱۹۰۲ م در غرب ایران آغاز کرد. به این ترتیب، مهندسین حفار لهستانی و انگلیسی به همراه رینولدز (George Bernard Reynolds) کارشناس انگلیسی نفتی که به استخدام داری درآمده بود، وارد قصر شیرین شدند (موحد، ۱۳۹۴: ۶۰). آهنگران اروپایی، بازرس ترک، معاونین و پزشک هندی هم، به علت نبود نیروهای متخصص ایرانی در این عملیات حضور داشتند. ظاهراً، حضور این افراد ناقض مفاد قرارداد نبود (نفت چیاسرخ کرمانشاه، ۱۳۹۴: ۱۳). پزشک هندی، دکتر واسای رستم‌چی،^۲ نه تنها در خدمت هیئت حفاران بود؛ بلکه افراد محلی نیز در صورت بروز مشکل، تحت درمان وی قرار می‌گرفتند (نفت چیاسرخ، ۱۳۹۴: ۶۹).

کار اکتشاف نفت در حالی در ایران آغاز شد، که داری و بریتانیایی‌ها مطابق مندرجات قرارداد، ملزم به استفاده از کارگر ایرانی بودند. اما عملی شدن این موضوع، به راحتی مقدور نبود. از دوره ناصری (حک: ۱۲۶۳-۱۳۱۳ق)، عده زیادی از ایرانیان ساکن نواحی شمال و شمال غربی ایران به قفقاز مهاجرت کرده و در صنایع نفت مشغول کار بودند. پدیده‌ای که با گذشت زمان و توسعه این صنعت در روسیه، رو به فزونی گذاشت (اتابکی، ۱۳۹۰: ۶۱-۹۶). در ۱۹۰۵م یعنی مقارن با تغییر عملیات حوزه اکتشاف نفت از غرب به جنوب ایران، حدود ده هزار کارگر ایرانی در حوزه‌های نفتی باکو مشغول به کار بودند (اتابکی، ۱۳۹۰: ۷۵). اما این مهاجران، محدود به سرزمین‌های شمالی ایران بودند و از بخش‌های مرکزی و غربی و جنوبی ایران مهاجرتی به قفقاز صورت نگرفت و ساکنان این مناطق، با کار صنعت نفت آشنا نبودند.

سابقه حضور استعماری بریتانیا در هندوستان و به تبع آن گام برداشتن در جهت صنعتی شدن این کشور، باعث شد هندی‌ها با سابقه کار در مراکز صنعتی آشنا شده و بیش از ایرانیان آماده حضور در صحنه‌های استخراج نفت باشند. کشف نفت و ساخت پالایشگاه در برمه (۱۳۰۳ق/۱۲۶۵خ/۱۸۸۶م)، طیفی از کارگران را تحت عنوان کارگران نفتی در هندوستان به وجود آورده بود. از این رو، بریتانیایی‌ها به واسطه نبود مهارت لازم در میان نیروی کار ایرانی ساکن در بخش‌های جنوبی این سرزمین، هندی‌ها را استخدام می‌کردند. بریتانیایی‌ها، هندی‌ها را «شاگردان مستعدی» می‌دانستند که تا حدی از معلمان بریتانیایی خود، آموزش‌هایی چون تقسیم کار و بازده اقتصادی را فرا گرفته بودند (ویلسون، ۱۳۹۴: ۴۱).

۳. اعتراض اولیه ایران به اشتغال کارگران هندی در صنعت نفت

حضور کارگران هندی در صنعت نفت که نقض ماده دوازدهم قرارداد ایران و داریسی بود، اعتراض دولتمردان ایرانی را موجب شد. عبدالحسین میرزا فرمانفرما، حاکم وقت کرمانشاه، ناراضی خود در این مورد را اعلام کرد که مورد بی توجهی رینولدز «مهندس باشی معادن نفت جنوبی ایران» (نفت چیا سرخ، ۱۳۹۴: ۴۵) واقع شد. در ۱۳۲۱ق/ ۱۲۸۲خ/ ۱۹۰۳م، رینولدز برای تمدید قراردادش به بریتانیا سفر کرد (حسن نیا، ۱۳۹۴: ۱۰۹). بعد از رفتن وی، روزن پلانتر (Rosenplaenter) که پیش از این سابقه حضور در صنایع نفت آسام و باکو را داشت جای او را گرفت. محمدحسن خان شیخ‌الملک سیرجانی، که به عنوان واسطه‌ای میان شرکت داریسی و دولت ایران عمل می‌کرد، ضمن نامه‌ای به تاریخ بیست و ششم محرم ۱۳۲۱ق/ سوم اردیبهشت ۱۲۸۲خ/ بیست و چهارم آپریل ۱۹۰۳ م به فرمانفرما به تمجید از اقدام روزن پلانتر برای جلب نظر وی در خصوص اخراج کارگران خارجی شرکت نفت پرداخت. در بخشی از این نامه، آمده:

به محض اینکه فهمید میل مبارک حضرت اقدس اشرف روحی فداه بر این است که عمده جات از اتباع دولت علیه باید باشد، فوراً درصدد تغییر و تبدیل آنها برآمد و فعلاً، جز دو سه نفر خدمتگزاران مهندس باشی که به طبیعت و حال او بلدیت حاصل کرده‌اند، با چهار پنج نفر گاریچی که متصل باید با گاری از بغداد اسباب و آلات حمل نمایند، دیگر احدی از عملجات خارجه نیست. تمام، اتباع دولت علیه هستند؛ اگر ایرانی‌ها می‌توانستند گاری را هم راه ببرند، آنها را نیز تغییر می‌داد، ولی مخصوصاً تجربه کردیم ایرانی‌ها نتوانستند. به این واسطه، آنها را تبدیل نکرده‌اند؛ و آلاً، مانعی نبود (نفت چیا سرخ، ۱۳۹۴: ۵۳).

در ادامه مقاله، متوجه می‌شویم که این امر به صورت موقت روی داده و شرکت داریسی، بی توجه به اعتراضات مسئولان ایرانی، به استخدام کارگران غیر ایرانی ادامه داد.

۴. افزایش کارگران هندی صنعت نفت و اعتراض دوباره ایرانیان

بعد از آن که سرمایه داریسی در دوره چهارساله حفاری‌های منطقه غرب رو به پایان گذاشت، او قصد فروش و واگذاری امتیاز خود را به شرکت‌های مشتاق دیگر داشت. مسئله‌ای که موجب نگرانی مقامات حکومتی بریتانیا شد و به فکر اتخاذ تدبیر مناسب برای

ممانعت از این عمل برآمدند. به دنبال این سیاست، شرکت نفت برمه برای سرمایه‌گذاری مشترک وارد صحنه استخراج نفت ایران شد. حاصل این توافق، تشکیل شرکت سندیکای امتیازات (Concession Syndicate) در بیست و نهم صفر ۱۳۲۳ق/پانزدهم اردیبهشت ۱۲۸۴خ/پنجم می ۱۹۰۵م بود (موحد، ۱۳۹۴: ۶۱). تغییر حوزه حفاری برای نفت در ایران، از پیشنهادات شرکت نفت برمه بود. به این ترتیب، نیروهای حفاری از غرب ایران به جنوب، یعنی ماماتین و شاردین و نفتون^۲ (مسجد سلیمان) روی آوردند (ابطحی، ۱۳۸۴: ۳۹). سرانجام تیم حفاری، در رجب ۱۳۲۳ق، در جنوب به حفاری مشغول شدند (حبل‌المتین، س ۱۳، ش ۳، یازدهم رجب ۱۳۲۳: ۶-۷).

در جریان تغییر حوزه حفاری از غرب به جنوب ایران، توجه به استفاده از کارگران غیرایرانی همچنان مد نظر مسئولان شرکت نفت برمه بود. این امر، اعتراض دوباره برخی از مسئولان ایرانی را برانگیخت. نمایندگان مجلس شورای ملی در این خصوص، اعتراض کردند و جوادخان سعدالدوله، نماینده طبقه اعیان در دوره اول مجلس شورای ملی، در جلسه هفتم ذی‌القعدة ۱۳۲۴ق به این موضوع پرداخت. سعدالدوله، خواهان حضور نماینده دولت ایران در کمپانی (عبدالعلی‌خان صدیق‌السلطنه)، در مجلس شد تا در مورد این موضوع توضیح دهد. در بخشی از نطق اعتراضی این نماینده، آمده: «عمله‌جات، باید رعایای مسلمان ایرانی باشند، ولی از قرار معلوم، تمامی عمله‌جات از ارامنه و رعایای عثمانی و هندی و غیر اینها، از رعایای خارجه هستند» که مسئولان باید به چرایی این امر پاسخ دهند (میرزا صالح، ۱۳۸۴: ۷۷).

در جلسه پنجم ذی‌الحجه ۱۳۲۴ق، وزیر معادن (میرزا نظام‌الدین مهندس‌الممالک کاشی) و صدیق‌السلطنه، برای پاسخگویی به مسئله استخدام کارگران غیرایرانی در مجلس حاضر شدند. وزیر معادن در پاسخ به سعدالدوله، توضیح داد بعد از تذکر دولت ایران، «همه عمله‌جات ایرانی هستند مگر سی نفر» که آنها نیز شامل مقامات بالا، تکنیسین‌ها و «عملجات علمی» می‌شوند که حضورشان ناقض قرارداد نیست. صدیق‌السلطنه نیز در پاسخ به سعدالدوله، اظهار داشت تا به حال ماموریتی برای حضور در منطقه جنوب نداشته و منتظر است که «چاه نفت بیرون بیاید» (میرزا صالح، ۱۳۸۴: ۱۰۶). سعدالدوله که از پاسخ‌های نماینده دولت و وزیر معادن قانع به نظر نمی‌رسید، هنوز مصر بود که «آن سی نفر را که خارجه‌اند هم معلوم کنید چه کاره هستند» (همانجا).

فشار نمایندگان مجلس شورای ملی، باعث شد تا صدیق السلطنه برای نخستین بار از مناطق نفتون و ماماتین بازدید به عمل آورد. نتیجه بازدید، اعتراض به رینولدز به جهت حضور نجاران و آهنگران ترک عثمانی بود. به نظر صدیق السلطنه، در حالی که صنعتگران اصفهانی این تخصص را داشتند، آوردن عثمانی‌ها توجیه نداشت. در مقابل این اعتراض، رینولدز پاسخ داد که این گروه در زمره کارگران محسوب نمی‌شوند و ایرانیان از این تخصص برخوردار نیستند (معتقدی و شیخ‌نوری و اتابکی، ۱۳۹۲: ۱۳۰). به این ترتیب، بریتانیایی‌ها بی‌توجه به اعتراضات رسمی مقامات ایرانی، همچنان از کارگران غیر ایرانی در زمینه اکتشاف نفت استفاده کردند.

۵. فوران چاه نفت و ساخت پالایشگاه و تداوم حضور روزافزون هندی

با کشف نفت در مسجد سلیمان در بیست و چهارم ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ق/پنجم خرداد ۱۲۸۷خ/بیست و ششم مه ۱۹۰۸م، شرکت نفت آنگلو-پرشین (Anglo-Persian Oil Company) شکل گرفت که مجموعه‌ای از سهامداران قبلی بود؛ با این حال، داریسی نیز در هیئت مدیره شرکت جدید حضور داشت (موحد، ۱۳۹۴: ۷۰). در این مرحله، وزرات امور خارجه بریتانیا تصمیم گرفت به منظور حفاظت از نیروی اکتشاف و حفاران، بیست سرباز فوج هجدهم بنگال را به فرماندهی آرنولد تالبوت ویلسون (Arnold Talbot Wilson)، به جنوب ایران اعزام نماید (ویلسون، ۱۳۹۴: ۴۶). این نظامیان، اهل پنجاب و مسلمان بودند (ویلسون، همان: ۹۴). هزینه سربازان هندی، به مراتب کمتر از سربازان بریتانیایی بود که «جیره سطح بالا و نیازمندی‌ها و سوخت و گوشت و لوازم پرخرج» می‌خواستند (ویلسون، همان: ۱۷۰).

کشف نفت در منطقه مسجد سلیمان، پیدایی مباحثی چون ضرورت ساخت پالایشگاه، مسئله اسکان و استقرار نیروهای متخصص و استخدام کارگران مشخص و دائمی را به دنبال داشت. آندرو کمپبل (Andrew Campbell)، از سوی کمپانی نفت برمه در بهار ۱۳۲۷ق/ ۱۹۰۹م، برای بررسی و تعیین منطقه ساخت پالایشگاه به جنوب ایران آمد. محل انتخابی او، منطقه عبادان/آبادانبود (BP ARC176326,p14). ساخت پالایشگاه، برعهده مهندسین پالایشگاه برمه گذاشته شد. کارگرانی که برای این کار به استخدام درآمدند، کارگران ماهر هندی بودند که پیشتر تجربه ساخت پالایشگاه در شهر رنگون (Rangoon) واقع در برمه را داشتند (موحد، ۱۳۹۴: ۷۲). عامل دیگر موثر در استخدام کارگران هندی برای عملیات

ساخت پالایشگاه، آن بود که تحمل هوای گرم و شرجی منطقه خوزستان برای آنها، سهل تر از کارگران اروپایی بود (15ARC176326,pBP). ویلسون در گزارشی مربوط به همین دوران، از حضور «کثیر» کارگرانی از هندوستان و ساکنان بنادر و جزایر خلیج فارس می نویسد (ویلسون، ۱۳۹۴: ۲۱۶).

در کنار کارگران ماهر عمدتاً هندی که مشاغل مشخص داشتند، شماری از روستاییان منطقه و حتی استادکارانی که از مهارت‌های لازم برخوردار نبودند، استخدام و در کارهای سنگینی که مهارت خاصی لازم نداشت به کار گرفته شدند. دستمزد قابل توجه شرکت، باعث تشویق مردانی از لرستان، بختیاری و کردستان برای کار در پالایشگاه شد (ARC176326,p 15BP). در تصاویر به جا مانده از ساخت خط لوله و پالایشگاه آبادان، کارگران ایرانی دیده می شوند که در حال حمل لوله‌های انتقال نفت به پالایشگاه می باشند (www.petrophoto.ir).

عامل دیگر موثر در ترغیب انگلیسی ها برای به کارگیری شمار بیشتری از کارگران هندی در صنعت نفت ایران، بروز برخی تعارضات بین کارگران ایرانی و هندی صنعت نفت بود. مسئله برتری کار هندی ها در نگاه مدیران انگلیسی، بازخورد منفی در بین کارگران ایرانی داشت. کارگران ایرانی با بی‌اعتنایی به توصیه‌های مدیران شرکت نفت برای پرهیز از طرح اختلاف با هندی ها، شیوه خود را در کار پیش می گرفتند؛ این امر، باعث تاخیر در اجرای طرح های مورد نظر می شد. این مسئله، بر حضور تعداد بیشتری از کارگران هندی که بعضاً مهارت خاصی هم نداشتند می افزود (British National Archive Fo 460/3 Mohammerah November 3 1909).

گذشت زمان، نشان داد که شرکت نفت انگلو- پرشین به دلایلی ترجیح می دهد تا علیرغم تعهد خود، نیروی کار غیر ماهر خود را نیز از هند تهیه کند. زیرا، استخدام این کارگران به مراتب به صرفه تر و ارزان تر از استخدام کارگران گُرد و گُر ایرانی بود (British National Archive Fo 460/3 Mohammerah March 29 1911). از سویی دیگر، حاکم محمره (شیخ خزعل)، انتظار داشت کارگران بومی عرب به هنگام بهره برداری از خرما در نخلستان‌ها حاضر باشند (ibid). این امر، یعنی غیبت مقطعی کارگران عرب، به روند کار صنعت نفت لطمه می زد.

۶. چگونگی روابط کارگران هندی با کارگران ایرانی صنعت نفت

در آمارهای موجود، در سال آغازین ساخت پالایشگاه ۱۹۱۰م/۱۳۲۸ق، تعداد کارگران هندی ۶۰-۷۰ نفر در مقابل ۴۰۰ کارگر ایرانی و ۴ اروپایی بود(فلور:www.abadan.wiki). احتیاج به نیروی کار بیشتر در پالایشگاه، ورود کارگران هندی را در ظرف یک سال افزایش قابل توجه داد. در ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م، تعداد کل کارگران هندی در مجموع ۳۳۴ نفر، در مقابل ۱۸۸۴ نفر ایرانی بود. براساس این آمارها، بیشترین تعداد کارگران هندی، در آبادان یعنی محل ساخت پالایشگاه فعال بودند که شمار آنها به ۲۱۸ نفر می رسید. در قسمت خط لوله نیز، در مقابل ۷۷۰ نفر کارگر ایرانی، ۴۹ نفر کارگر هندی مشغول به کار بودند(حسن نیا، ۱۳۹۴: ۲۵۱-۲۵۲).

ویلسون(Wilson) که مدتی سرپرستی هیئت نظامیان هندی در خوزستان را بر عهده داشت، متوجه تفاوت فرهنگی میان ایرانیان و نیروهای هندی و تعارضات پدید آمده ناشی از این امر بود(ویلسون، ۱۳۹۴: ۱۰۴). اگرچه با ورود این تعداد کارگر هندی، واکنش ها و برخوردهایی بعضاً بین آنان و بومیان ایرانی روی می داد؛ اما با گذر زمان، به تدریج موارد تنش زای رخداده بین دو طرف کمتر می شد و کم کم، فضای زندگی برای کارگران مهاجر در ایران باز شده و ارتباط اجتماعی میان این دو فرهنگ متفاوت به آهستگی برقرار می شد. در صورت بروز برخی مشکلات، کنسولگری بریتانیا برخی مسائل کارگران هندی را پیگیری و حل می کرد(ویلسون ۱۳۹۴: ۲۱۷).

پاره ای از مشکلات کارگران هندی شاغل در صنعت نفت ایران، به پیامدهای ناشی از زندگی و کار در سرزمین دیگر و نیز ارتباطات آنها با بومیان ایرانی ارتباط داشت و بخشی دیگر، به عملکرد مسئولان شرکت نفت در نادیده گرفتن شرایط کار و زندگی آنان در ایران مربوط می شد. به عنوان نمونه، کارگران هندی که برای ساخت پالایشگاه به ایران آمدند تا زمان ساخته شدن مقری مستحکم برای آنان، در کلبه های حصیری و یا چادرها مقیم بودند (B P Archive, ARC 176326; George Thomson, Naft 7, no. 4, 1931 July). برخی دیگر از مشکلات و گرفتاری ها کارگران هندی، عبارت بودند از: حوادث کاری، اختلافات دینی و تفاوت در سبک زندگی که بعضاً به امور بهداشتی مربوط می شد. مثلاً، در بیست و ششم ذی القعدة ۱۳۲۹ق/ بیست و ششم ۱۲۹۰خ/ هجدهم نوامبر ۱۹۱۱م، میان کارگران هندی و محافظان بختیاری شرکت نفت انگلو - پرشین در آبادان، درگیری روی داد. این امر، منجر به اعتصاب اغلب کارگران هندی، به غیر از سیک های فنی کار شد. کارگران هندی برای

حل مشکل خود، به کنسولگری بریتانیا در خرمشهر رفته و مشکلات فراوان خود را مطرح کردند. با این حال، سرانجام با ترغیب و تشویق کنسول بریتانیا، یک روز بعد سرکار خود حاضر شدند. (Political Diaries of the Persian Gulf 1990:4/ 459).

از دیگر پیامدهای حضور کارگران هندی، شیوع برخی بیماری‌های واگیردار در جنوب ایران و بروز اختلاف نظر بین ایرانیان و مهاجران در امر شیوه جلوگیری از انتشار این بیماری‌ها بود. برای نمونه، در سال ۱۹۱۱م/ ۱۳۲۹ق همزمان با ساخت خط لوله انتقال نفت از مسجد سلیمان به آبادان و پالایشگاه، بیماری وبا در این مناطق شایع گردید. شیوع این بیماری، دو پیامد داشت: یکی تعویق در ساخت و ساز به علت مرگ و میر کارگران (ویلیم فلور، شروع روزگار مدرن آبادان، همان)، و دیگری نمایان شدن بیش از پیش اختلافات فرهنگی میان کارگران مهاجر و بومی. یکی از شیوه‌های جلوگیری از شیوع بیماری، سوزاندن اجساد مبتلایان بود. این امر که در میان کارگران هندو مذهب هندی امری رایج بود، برای کارگران ایرانی مسلمان، امری غیرقابل پذیرش و ناممکن به نظر می‌رسید (عباس شهینی، ۱۳۷۴: ۱۲۰).

مطابق برخی گزارش‌های موجود، مناسبات میان ایرانیان و نیروهای هندی شرکت نفت ایران و انگلیس، همیشه توأم با دشمنی و خشونت نبود. به عبارت دیگر، این روابط و مناسبات گاه دوستانه بود و گاه به واسطه مواردی چون برتری این اتباع خارجی نزد مدیران انگلیسی، خشم ایرانی‌ها برانگیخته می‌شد. ویلسون در یکی از گزارشات خود، از روابط دوستانه دو نقشه‌بردار هندی با بومیان ایرانی سخن می‌گوید (ویلسون، ۱۳۹۴: ۱۸۰). منبعی دیگر، گزارشی از دعوای کارگران گُر با راننده هندی لوکومتیو ارائه کرده است. مطابق این گزارش، کارگران گُر که جمعیتی بالغ بر ۱۵۰۰ نفر بودند، در اعتراض به تصادف مرگ بار یک کارگر گُر با لوکومتیوی که راننده آن هندی بود، مدتی تجمع کردند. گُرهای معترض، اعلام کردند که از دفن همکار خود تا زمانی که راننده خونبهای وی را پرداخت کند، خودداری می‌کنند. معترضان بعد از مدتی، به دلیل عدم دریافت پاسخ مورد انتظار، واکنش تندتر نشان داده و دست به تخریب و انهدام کارگاه‌های شرکت زدند. سرانجام این اعتراض، با دخالت کنسولگری بریتانیا و دستگیری سه تن از رهبران معترضان، خاتمه یافت. (Political Diaries of the Persian Gulf 1990:5/417).

۷. اعتراضات کارگران هندی به شرایط کاری و پیامدهای آن

از محاسن حضور کارگران هندی و عملکرد آنها در محیط کار، آگاهی تدریجی کارگران بومی ایرانی از حقوق قانونی کارفرما و کارگر بود. با اتفاقی مشابه آنچه که در بالا مورد اشاره قرار گرفت، بعد از مدتی، اعتصاب هندی ها از حالت اعتراض به کارگران یا محافظان ایرانی به اعتصاب به رفتار کارفرمایان انگلیسی تبدیل می شد. به عنوان نمونه، در بیست و هفتم ربیع الاول ۱۳۳۹ق/ هجدهم آذر ۱۲۹۹ش/ نهم دسامبر ۱۹۲۰م، کارگران هندی که این موقع تعدادشان به ۳۰۰۰ نفر می رسید در اعتراض به شرایط کار خود، دست به اعتصاب زدند. برخی خواسته های آنان، عبارت بود از: افزایش دستمزد، تقلیل ساعات کار روزانه، دریافت دستمزد برای اضافه کار، بهبود وضع بهداشت و تغییر رفتار توهین آمیز کارمندان با کارگران (فلور، ۱۳۷۱: ۴۴). با گذشت کمتر از بیست و چهار ساعت از این اعتصاب، کارگران ایرانی هم به دلایلی چون «دستمزد اندک، تسهیلات ناکافی، شرایط زندگی کثیف»، به کارگران معترض هندی ها پیوستند (اتابکی، ۱۳۹۵: ۳۲). اتحاد و پیوند این دو طیف کارگر، دستاورد و سرانجام خوش داشت و شرکت نفت انگلیس با پذیرفتن برخی خواسته های اعتصابیون، حقوق آنها را هشتاد درصد افزایش داد (فلور، ۱۳۷۱: ۴۴).

نتیجه گرفتن از اعتصاب مذکور، مشوق کارگران ایرانی و هندی برای تداوم گاهگاه این قبیل اعتصابات کارگری شد. دو سال بعد، در اردیبهشت ۱۳۰۱خ/ می ۱۹۲۲م، بار دیگر کارگران هندی به شرایط موجود اعتراض کردند. برخی گزارشات، حاکی از محق بودن این قبیل اعتصابات و وضعیت «فلاکت بار» کارگران هندی است. به نوشته اتابکی (۱۳۹۵: ۳۳)، «هیچ محدودیتی، برای ساعات کار روزانه وجود ندارد. تا پیش از شروع اعتصاب، ذغال و یخ به کارگران داده نمی شد. کارگران، به دلیل عدم توجه شرکت نفت به خواسته های رفاهی شان، در تابستان به دلیل گرمای و در زمستان بر اثر ذات الریه، می میرند». به هر حال، مسئولان کمپانی نفت انگلیس و ایران در واکنش به اعتصاب ۱۳۰۱خ، دعاوی مطرح در این اعتراضات را کذب و بی اساس خواندند. همچنین این بار، به جای پاسخ به خواسته ها، بهترین راه را در اخراج کارگران اعتصابی دیدند. به این ترتیب، در ۱۳۰۱خ/ ۱۹۲۲م، ۲۰۰۰ نفر از مجموع ۴۹۴۲ نفر (ساکما: ۲۴۰/۸۸۰۹۳) کارگر هندی، از کمپانی نفت انگلیس و ایران اخراج و با کشتی به هندوستان بازگردانده شدند. اکثر کارگران اخراجی هندی، کارگرانی بودند که پیرو آئین سیک بودند (اتابکی، ۱۳۹۵: ۳۴). شدت واکنش

کمپانی در برخورد با این اعتراضات کارگری، به گونه‌ای بود که روزنامه *تایمز لندن* در گزارش خود، احتمال تکرار اعتصابات از این دست را بعید دانست (بهبودی، ۱۳۸۸: ۲۴).
چندی از این اخراج گسترده نگذشته بود که روزنامه *شفق سرخ* در تیرماه ۱۳۰۱ش، خبر اعتصاب کارگران ایرانی در مسجد سلیمان و آبادان و ورود حاکم خوزستان (شیخ خزعل) به این جریان را منتشر کرد. در بخشی از گزارش این روزنامه، آمده:

به واسطه پاره‌ای اختلافات، چندی قبل عملجات معادن جنوب چند روزی اعتصاب و تعطیل نموده بودند که پس از مذاکرات و استعلام تقاضاهای آنها، سردار اقدس [شیخ خزعل] نیز به مسجد سلیمان آمده، نمایندگان آنها را احضار و وعده انجام مقاصد حقه ایشان را که تحت ده یازده ماده است، داده بودند. اینک در خصوص یکی از درخواست‌های مهم ایشان که خارج نمودن عملجات هندی از خدمت معادن بوده، از طرف دولت نیز اقدام شده و در نتیجه موفقیت حاصل گردید که عملجات هندی را که بالغ بر چهار هزار نفر می‌شوند، منفصل و به هندوستان عودت دهند و به جای آنها، عملجات ایرانی استخدام نمایند (روزنامه *شفق سرخ*، س ۱، ش ۴۱، ششم سرطان ۱۳۰۱/ غره ذی القعدة الحرام ۱۳۴۰).

از دیگر پیامدهای اعتصابات و اعتراضات خیرساز کارگران هندی، باز شدن مجدد فضا برای بحث پیرامون عدم حضور اتباع بیگانه در صنعت نفت ایران در برخی محافل دولتی و حکومتی ایران بود. برخی نامه‌نگاری‌ها بین وزارت مالیه، وزارت امور خارجه و سفارت بریتانیا، نشان از پیگیری دولت ایران برای رسیدگی به مسئله حضور کارگران خارجی در شرکت و برخورد با نقض ماده دوازدهم قرارداد داری دارد (ساکما: ۲۴۰/۸۸۰۹۳). به عنوان نمونه، نماینده دولت ایران در شرکت نفت ایران و انگلیس (فریدالسلطنه) در بهمن ۱۳۰۰ش، به استخدام بی‌رویه «عمله جات هندی و چینی» اعتراض کرده بود که پاسخی درخور نیافت (نفت در دوره رضا شاه، ۱۳۷۸: ۱۵).

با گسترش عملیات صنعت نفت در ایران، به تدریج تعداد کارگران ایرانی در مقابل کارگران هندی، افزایش یافت. با وجود کاهش تدریجی شمار کارگران هندی، برخی تأثیرات کارگران هندی بر کارگران ایرانی از میان نرفت. کارگران ایرانی برای طرح برخی خواسته‌ها و اعتراضاتشان، از رفتار کارگران هندی الگوبرداری نمودند. همچنین آنها، به مرور مهارت لازم را برای رهبری و هدایت اعتراضات و طرح خواسته‌های خود یافتند. رفتار تبعیض آمیز مسئولان شرکت نفت انگلیس و ایران با کارگران ایرانی و غیرایرانی از لحاظ حقوقی و

معیشت، پیامدهایی چون تشدید اعتراضات کارگری را به دنبال داشت. این قبیل رفتارها از سوی کارگران ایرانی صنعت نفت، در شرایطی صورت می گرفت که این ایام جنبش چپ کارگری در همسایه شمالی ایران (شوروی) رونق زیادی داشت. اگرچه نمی توان در باره نفوذ این جنبش در میان کارگران صنعت نفت ایران اظهار نظر قطعی نمود، اما در سال های بعد، جدیت بیشتری در رفتارهای اعتراضی کارگران شاغل در صنعت نفت دیده می شود. به عنوان نمونه در اسفند ۱۳۰۶ش، شایع شد که کمپانی نفت جنوب قصد اخراج ده هزار نفر کارگر ایرانی را دارد (نفت در دوره رضا شاه، ۱۳۷۸: ۳۶). این شایعه، باعث تجمع کارگران ایرانی در مقابل اداره کارگزینی شرکت و «سنگباران» این محل شد (همان: ۳۸). در مقابله با این معترضان، شماری از کارگران هندی و عرب با سنگ اندازی به سوی کارگران معترض ایرانی، در جهت بی اثر ساختن این اعتراضات گام برداشتند (تابکی، ۱۳۹۵: ۳۷).
به نظر کاوه بیات (۱۳۹۰: ۲۰۰)، نقد نشریات آن روزگار به چرایی وجود تفاوت میان کارگران هندی و ایرانی، از عواملی بود که تا حدی در تشویق کارگران ایرانی به تداوم اعتراضات نقش داشت. به عنوان نمونه، نویسنده ای به نام محمود خوزستانی در روزنامه شفق سرخ، در مقایسه وضعیت کارگران هندی و ایرانی نوشت:

چرا کمپانی با عمله ایرانی این طور رفتار می کند و عمله و کارگران هندی را با حقوق بیشتری از هند آورده و به آنها، همه گونه وسایل آسایش و منزل و مخارج ایاب و ذهاب می دهد؛ برای اینکه کار را یکسره به دست ایرانی ها نهد و اگر روزی کارگر ایرانی بخواهد مطالبه حقوق خود را بنماید، در قسمت های عمده کارخانجات از وجود کارگر ایرانی بی نیاز باشد (خوزستانی، ۱۳۰۷: ۱).

۸. اقامتگاه کارگران هندی در آبادان و برخی اماکن عمومی آن ها

کشف نفت در مسجد سلیمان و ساخت پالایشگاه در آبادان، حضور جمعیتی متشکل از اقوام و ملیت های مختلف با جایگاه های اجتماعی متفاوت، موجب رونق آبادان و مسجد سلیمان شد. شرکت نفت ایران و انگلیس برای کارگران و کارکنان خارجی پالایشگاه، که به تدریج تعدادشان افزایش می یافت (فلور، شروع روزگار مدرن آبادان: www.abadan.wiki) دست به ساخت محله های مسکونی زد. جزیره آبادان در زمان انعقاد قرارداد اجاره میان کمپانی نفت ایران و انگلیس و شیخ خزعل، جمعیتی حدود بیست و چهار هزار عرب بومی

داشت. این جمعیت، در روستاهای مختلف این جزیره سکونت داشتند و در نخلستان‌های شیخ خزعزل مشغول به کار بودند (فلور، شروع روزگار مدرن آبادان: www.abadan.wiki). با ساخت پالایشگاه، آبادان تبدیل به شهرکی سازمانی با ساختار طبقاتی شد. خانه سازی برای کارمندان و سازندگان اروپایی، کارگران هندی و ایرانی شرکت نفت انگلیس و ایران، به صورت جدا از هم در مناطق متفاوت آغاز شد (www.historiae.org/abadan.asp). با ساخت محله هندی‌ها در حد واسط میان محله های اروپاییان و ایرانیان، ظاهراً تلاش شده که تعادلی برای دو فرهنگ دور از هم ایجاد شود. محله ای که خانه های مسکونی کارمندان اروپایی در آن واقعی بود بریم (Brime) نامگذاری شد. کارگران هندی، در منطقه ای ساکن شدند که ابتدا منطقه کولی ها^۳ نام داشت. این محله، مدتی بعد به علت سکونت سیک‌ها، سیک لین (Sikh Lane) نام گرفت و در نهایت، به محله هندی‌ها تغییر نام داد (تورج اتابکی، ۱۳۹۵: ۲۷).

در محله هندی ها، مسجد سنیان، مسجد شیعیان و معبد هندوها ساخته شد (اتابکی، ۱۳۹۵: ۲۹). مسجد رنگونی‌های آبادان، یادگاری از کارگران سنی مذهب رنگونی است که طی سال های ۱۲۹۱-۱۳۰۰ش / ۱۹۱۲-۱۹۲۱م ساخته شد (احمد کعبی فلاحیه، مسجد رانگونی‌ها نماد معماری هندی در شهر آبادان: www.petromuseum.ir). در ساخت بخشی از ساختمان های این مسجد که در جنوب غربی پالایشگاه و در کنار اروندرود واقع بود، از لوله‌های نفت و ریل راه آهن در سقف و کف آن استفاده شد. این مسجد ساخته شد، تا نیاز مسلمانان هندی را برای برپایی نماز و عبادت و گرد هم بودن برطرف کند (کعبی فلاحیه: همان).

امکانات زندگی برای کارگران هندی شرکت نفت اسفناک بود، اما هنوز در مقایسه با امکانات کارگران ایرانی از کیفیت بالاتری برخوردار بود. کارگران هندی، به صورت جمعی در اتاق‌هایی به شکل سربازخانه روزگار می گذراندند. کارگران ایرانی نیز تا ۱۳۰۳ش/۱۹۲۴م، در همان کپرهای حصیری و چادرهای به جا مانده از زمان اقامت کارگران هندی زندگی می کردند (حسن نیا ۱۳۹۴: ۲۴۳؛ یعقوبی نژاد ۱۳۷۳: ۱۷۹-۱۸۰). بیمارستان مجهز هندی‌ها، به نام بیمارستان کمپانی در مجاورت شرکت نفت واقع و مجهز بود. در مقابل، بیمارستان ایرانی‌ها در محله کتیف و بد بوی شیخ قرار داشت و فاقد تجهیزات مناسب بود. به واسطه این قبیل تبعیض های آشکار، کارگران ایرانی، صدای اعتراض خود را از طریق نوشتن شکوائیه به مرجع قانون گذاری، مجلس شورای ملی، رساندند (اتابکی، ۱۳۹۵: ۳۶).

۹. توسل کارگران هندی به مقامات ایرانی برای اقامت و حل مشکلاتشان

مسئله مسکن نامناسب گروهی، یکی از مشکلات کارگران هندی شاغل در صنعت نفت ایران بود. مشکل دیگر، محدودیت‌های اعمال شده بر سر راه مهاجرت خانواده‌های این کارگران به ایران بود. مسئولان بریتانیایی شرکت نفت انگلیس و ایران، به کارگران هندی اجازه نمی‌دادند که خانواده خود را به همراه داشته باشند (ساکما شماره ۱۷۵۳۱-۲۴۰). با گذشت زمان از استقرار کارگران هندی در ایران، شماری از آنان مایل به حضور خانواده‌های خود در ایران و حتی کسب مجوز اقامت در ایران بودند. این درخواست، گویای آن است که انگار آنها خود را جدا از جامعه ایرانی نمی‌پنداشتند.

جمعی از کارگران مسلمان هندی با درک تمایلات باستان‌گرایانه رضاشاه و اهمیت آن در منظر حکومت پهلوی، در آذر ۱۳۰۶ش در عریضه‌ای خطاب به رضاشاه پهلوی، خود را «ایرانی‌نژاد» و با «محبت فوق‌العاده به ایران» خوانده؛ سپس در ادامه عریضه، از وی خواستند «حکمی به حکومت هندوستان و رئیس کمپانی نفت انگلیس و ایران صادر فرمایند تا بعد از این، به ما اجازه آوردن عیال بدهند؛ کمپانی نفت، ذمه‌داری بگیرد که خانه‌های عیال‌بار به ما بدهد» (ساکما ۱۷۵۳۱-۲۴۰). از جمله دلایل محکمه‌پسند کارگران معترض هندی برای طرح خواسته‌های مورد اشاره، علاوه بر اظهار عشق به «آب و خاک ایران»، دو مسئله بود: یکی مسلمانی و دیگری برهم زدن توطئه استعمار. در بخشی از عریضه نوشته شده توسط شماری از کارگران مسلمان هندی به شاه ایران، آمده: راضی نیستند

که پول اسلام در کفرستان که هندوستان باشد خرج بشود... از پول مسلمانان، کفار نفع بخورند. همین است که ما می‌خواهیم عیالات ما اینجا باشند تا خرج آنها همین جا بشود. پول ایران، بایستی در کیسه ایرانی‌ها برود تا برادران اسلامی ما ایرانیان ترقی بکنند. همین است که کمپانی نفت، اجازه به آوردن عیال نمی‌دهد (ساکما: ۱۷۵۳۱-۲۴۰).

میل به مهاجرت و استقرار در ایران و تلاش برای حل برخی از مشکلات از طریق عریضه نوشتن به مسئولان ایرانی، تنها محدود به کارگران هندی شاغل در منطقه نفت خیز جنوب ایران نمی‌شد. به عنوان نمونه بر اساس مندرجات اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی، در ۱۳۰۱ش، شماری از تجار ثروتمند هندی مستقر در دزدآب/زاهدان نیز به همراه تعدادی تجار ایرانی در نامه‌ای رسمی به وزارت معارف و اوقاف، به دنبال تاسیس مدرسه برای فرزندان خود بودند (ساکما: ۲۸۴۸۲-۲۴۰).

۱۰. دایر شدن مدرسه هندی‌ها در آبادان و مشکلات ادامه فعالیت آن

چند سال بعد از طرح خواسته‌هایی چون رفع ممنوعیت ورود همسران و خانواده کارگران هندی شاغل در خوزستان و یا تقاضای تاسیس مدرسه برای دانش آموزان هندی در زاهدان، تعداد اطفال هندی در آبادان به اندازه‌ای رسید که شرکت نفت انگلیس و ایران به صورت غیررسمی اقدام به افتتاح دبستان خصوصی برای اطفال هندی در شهر آبادان کرد. اقدامی که بعد از گذشت «چندین سال»، با مخالفت دولت ایران مواجه شد. در این راستا، وزارت دارایی ایران در نامه‌ای به شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران، از اینکه در «ظرف این چند سال» اطلاعی درباره دایر کردن مدرسه به دولت ایران داده نشده بود ابراز تعجب کردند (ساکما: ۳۴۹-۲۴۰).

شرکت نفت در مقابل اعتراض دولت ایران، تاسیس مدرسه را منکر شد و از کودکان دبستان مخصوص کودکان سه تا شش سال در بهمنشیر سخن گفت. به نوشته مسئولان شرکت نفت، این کودکان برای مدتی برای نگهداری «کودکان افزارمندان هندی» تاسیس شده و در زمان نگارش نامه [۱۳۱۸ش]، تعطیل شده بود (ساکما: ۳۴۹-۲۴۰). گرچه بعدها، تحقیقات وزارت امور خارجه مشخص کرد که این کودکان مسئله‌ای جدا از دبستان «هند و انگلیس» است. در یکی از اسناد مرتبط با این موضوع، آمده:

تاریخ تاسیس آن، تحقیقاً معلوم نیست، ولی این قسمت محرز است که در حدود چهار پنج سال جریان داشته و مفتوح بوده است؛ دبستان، دارای شش کلاس بود و عیناً برنامه مدارس هندوستان در آن تدریس می شد. موادی که در آن تدریس می شده: اردو، عربی، انگلیسی، جغرافی. تمام، به طرز آموزشگاه‌های هندوستان ولی تدریس زبان فارسی در آن نمی شده است. مدیر دبستان، یک نفر هندی بود (ساکما: ۳۴۹-۲۴۰).

قطعاً فعالیت این مدرسه و حضور هر روزه کودکان و عده‌ای معلم در محلی خاص، از دید شهربانی رضاشاه در آبادان پنهان نبود. در هر حال، شرکت نفت انگلیس و ایران، پیگیر بازگشایی این مدرسه بود. از این رو، در تماس مکرر با اداره فرهنگ و اوقاف خوزستان، خواهان مشخص شدن علت تعطیلی مدرسه و رفع موانع بازگشایی آن شد (ساکما: ۳۴۹-۲۴۰). رییس باشگاه هندی‌ها که خود یک انگلیسی بود نیز، با مراجعه به اداره فرهنگ و اوقاف خوزستان، برای بازگشایی این مدرسه تلاش کرد (ساکما: ۳۴۹-۲۴۰)..

۱۱. حضور قابل توجه کارگران و صنعتگران هندی در پالایشگاه نفت آبادان

با آغاز عملیات ساخت و ساز تاسیسات پالایشگاه نفت آبادان و راهسازی مرتبط با نفت در خوزستان، چند شرکت بریتانیایی - هندی در هندوستان به تامین کارگر و نیروی فنی و کارمند اداری مورد نیاز شرکت نفت ایران و انگلیس مشغول شدند (اتابکی، ۱۳۹۵: ۱۵). از جمله کارگران ایرانی که به استخدام پالایشگاه آبادان درآمدند، عده‌ای بنا و نجار بودند. در بقیه قسمت‌های فنی و غیر فنی، حتی پیشخدمت‌ها و آشپزها نیز هندی بودند (اتابکی، ۱۳۹۵: ۱۵). اداره سیستم خطوط ارتباطی نیز، بر عهده هندی‌ها بود که از این طریق، چگونگی حرکت و فشار نفت از تمبی (Tembi)^۴ مسجدسلیمان به ایستگاه بعدی گزارش داده می‌شد (حسن‌نیا، ۱۳۹۴: ۲۷۷).

کارمندان اداری و دفتری هندی، ویژگی‌هایی داشتند که باعث رجحان آنان بر ایرانی‌ها و در برخی موارد حتی انگلیسی‌ها می‌شد. از جمله این ویژگی‌ها، عبارت بود از: تسلط به زبان انگلیسی، که در نتیجه آن احتیاجی به مترجم و واسطه برای انتقال دستورات کارفرمایان انگلیسی نبود و کارفرمایان در ارتباط مستقیم با مرئوسان و زیردستان خود بودند. گذشته از آشنایی کارفرمایان انگلیسی با خلق و خوی هندی‌ها، نداشتن منافع ملی و میهنی هندی‌ها در ایران، نکته مهم دیگری بود که باعث می‌شد در مقایسه با کارگران ایرانی، دست مقامات شرکت نفت در برخورد با کارگران و اخراج آنان سهل‌تر و بی‌دردس‌تر باشد. مزیت دیگر استخدام هندی‌ها، سطح توقع پایین آنها بود که هزینه کمتری برای شرکت نفت داشت (ویلسون، ۱۳۹۴: ۱۷۰).

با توجه به ویژگی‌های مورد اشاره، تعداد کارگران هندی در پایان عملیات ساخت پالایشگاه نفت آبادان، به هزار نفر رسید (اتابکی، ۱۳۹۵: ۱۷). با راه اندازی پالایشگاه نفت آبادان، مدیران شرکت نفت انگلیس و ایران بیش از گذشته به استفاده از کارگران ماهر هندی احتیاج پیدا کردند. شرکت نفت، به دنبال استخدام کارگران ماهر در مشاغل مانند «پرچ کوبی، رانندگی، مکانیکی، موتناژ، ریخته‌گری آهن و برنج، و قالب سازی» بود (اتابکی، ۱۳۹۵: ۱۸). اما در نگاه نخست، چنین به نظر می‌رسید که قوانین مهاجرت هندوستان، موانعی برای اشتغال و مهاجرت این کارگران ایجاد می‌کردند. از این رو، شرکت نفت انگلیس و ایران برای حل مشکل قوانین مهاجرت، به مذاکره با حکومت هند پرداخت. از نکات جالب در پاسخ حکومت هند به اعتراض شرکت نفت انگلیس و ایران، آن بود که عنوان شد مانع عمده حضور کارگران ماهر هندی در صنایع نفت خلیج فارس، نه قوانین

مهاجرتی بلکه هزینه بالای زندگی در این مناطق است که سبب بی میلی صنعتگران هندی برای کار در این مناطق می گردد (اتابکی، ۱۳۹۵: ۱۹).

وجود کارگران هندی در صنعت نفت برای بریتانیا به قدری مهم بود که با آغاز جنگ جهانی اول، ارتش و دریاداری بریتانیا استخدام کارگران ماهر هندی که سابقه اشتغال در شرکت نفت انگلیس و ایران را داشتند منع کرد. با این حال، کارگران هندی به علت «مشکلات ناشی از جنگ، گرانی مخارج زندگی و شیوه اجباری کار» (اتابکی ۱۳۹۵: ۲۱)، این ممنوعیت را نادیده گرفتند و به هندوستان بازگشتند تا به استخدام ارتش بریتانیا دربیایند. برخی گزارشات، حاکی از آن است که شماری از این کارگران ضمن نامه نگاری به دوستان و بستگان خود در هند، به آنان توصیه می کردند که به استخدام شرکت نفت انگلیس و ایران در نیایند (اتابکی، ۱۳۹۵: ۲۰).

۱۲. تنوع قومی و مذهبی کارگران هندی صنعت نفت ایران

کارگران هندی از مناطق مختلف هند و با مذاهب و ادیان گوناگون، در شرکت نفت انگلیس و ایران مشغول به کار بودند. از جمله این گروه های قومی و مذهبی، عبارتند از: رنگونی های سنی مذهب شاغل در ساخت پالایشگاه آبادان، کارگران سنی مذهب اهل چیتاگونیا شاغل در بخش مهندسی بندرگاه و حمل و نقل دریایی، سیک های پنجابی شاغل در بخش رانندگی و مشاغل تکنیسین و مامور امنیتی، اهالی مدرس شاغل در کارهای دفتری، گزارهای مسلمان پنجابی به عنوان رختشوی (اتابکی، ۱۳۹۵: ۲۱).

۱۳. ایجاد فاصله هندی ها با دیگر گروه های شاغل در صنعت نفت

در عملیات احداث تاسیسات نفتی و ساخت پالایشگاه آبادان تحت مدیریت بریتانیایی ها، سه گروه عمده حضور داشتند: کارفرمایانو متخصصان انگلیسی، کارگران و کارمندان دفتری هندی، و کارگران ایرانی. مسئولان و مدیران عالی رتبه و بریتانیایی تبار شرکت نفت انگلیس و ایران، بنا به رویه دیرینه استعماری بریتانیا، بر رعایت فاصله بین این سه گروه اصرار و تاکید داشتند. برابری و تناسبی در خصوص امکانات رفاهی و یا میزان حقوق و اجرای نظم و نظام اداری، بین این سه گروه وجود نداشت. هندی ها، گرچه از رتبه پایین تری نسبت به بریتانیایی ها قرار داشتند، اما هنوز از بسیاری جهات در موقعیتی برتر از ایرانیان قرار

داشتند. به عنوان نمونه، در ۱۹۲۹م/۱۳۰۷-۱۳۰۸ش، کارگر ماهر ایرانی چهارده تا بیست تومان دستمزد می گرفت؛ اما در این سال، مدیران و کارمندان انگلیسی، از پانصد تا هزار و پانصد تومان دریافتی داشتند؛ در این موقع، کارگران و کارمندان هندی به طور قطع، مبلغی بیشتر از کارگران ایرانی دریافتی داشتند (فلور، ۱۳۷۱: ۱۳۶). این قبیل تبعیض ها و تفاوت ها، باعث ایجاد واکنش و خشم کارگران ایرانی می شد.

به موازات تلاش انگلیسی ها برای حفظ فاصله و مرزبندی هندی ها با ایرانی ها، آنها برآن بودند تا فاصله گروه هندیها با انگلیسیها هم در بسیاری از امور حفظ شود. به عنوان مثال، هنگامی که استفاده از کتابخانه کمپانی برای کارکنان هندی مورد بحث قرار گرفت، ترجیح مسئولین بریتانیایی بر این بود که کتابخانه ای از کتاب های اضافی و کهنه برای این کارگران ایجاد شده تا اعضای انگلیسی از عضویت آنان دل چرکین نشوند (www.historiae.org/abadan.asp p9). همچنین هندی ها، بیمارستانی جدا داشتند که از نظر کیفیت، از بیمارستان انگلیسی ها پایین تر بود. با این حال، بیمارستان هندی ها نسبت به بیمارستان کارگران ایرانی، شرایط و تجهیزات بهتری داشت (ibid).

در برخی موارد، کارمندان دفتری هندی نسبت به کارگران ایرانی برتری پیدا می کردند و گاهگاه، اجازه حضور در محافل بریتانیایی ها را می یافتند. به عنوان نمونه در یک برنامه بازدید از ناو جنگی بریتانیا، کارمندان دفتری هندی به همراه اعضای اروپایی برای شرکت در این مراسم دعوت شدند (ibid). برخی مسئولان شرکت نفت دلایل و زمینه های برقراری این قبیل اقدامات جداسازی گروه های شاغل در صنعت نفت را، به سیاست دولت ایران مرتبط کرده و این گونه اظهار می داشتند که مسئولان ایرانی علاقه ای به «نزدیکی و همبستگی فرهنگی بین نیروی کار» ندارند (آتابکی، ۱۳۹۵: ۳۱).

۱۴. تداوم رویه به کارگیری هندی ها در صنعت نفت بعد از لغو قرارداد داری

به دنبال اقدام رضاشاه پهلوی در لغو قرارداد داری در ۱۳۱۲ش/۱۹۳۳م، قرارداد جدیدی در سال ۱۹۳۳م بین ایران و بریتانیا منعقد شد. شیوه استخدام کارگران، بر اساس ماده شانزدهم این قرارداد، تغییر یافت. ماده شانزدهم، چهار بند داشت که بند دوم به انتخاب «صنعتگران و مستخدمین فنی و تجاری» از بین اتباع خارجی و استخدام «مستخدمین غیر فنی» از بین اتباع ایران مربوط می شد. بند دیگر این ماده، به موضوع طرح تقلیل «مستخدمین غیر ایرانی» و افزایش تصاعدی شمار کارکنان ایرانی در «کوتاه ترین مدت

ممکن» اختصاص داشت. مندرجات بند چهارم، شرکت نفت انگلیس و ایران را ملزم به پرداخت مبلغ دو هزار لیره استرلینگ به منظور آموزش اتباع ایرانی در رشته‌های مرتبط با صنعت نفت در بریتانیا می‌کرد (نفت در دوره رضا شاه، ۱۳۷۸: ۴۲۷).

با گذر زمان، مشخص شد که این ماده نیز همانند قرارداد داری نادیده گرفته می‌شود. در همان آغاز امضای قرارداد، به وزارت مالیه گزارش شد که «چهارصد نفر هندی» به استخدام شرکت نفت درآمده‌اند (ساکما: ۲۴۸-۲۴۰). در بخشی از جوابیه تکراری شرکت نفت به اعتراض دولت ایران، آمده است: «استخدام خارجی‌ها در مواقعی که شرکت نقشه ساختمانی وسیعی در جلو دارد یا در مواردی که برای عملیات موسسات خود محتاج به استخدام است، در صورت فقدان کارگر ماهر ایرانی، ممکن است گاهگاه اتفاق بیفتد» (ساکما: ۴۶۷۶-۲۴۰).

عبارت «گاهگاه» مورد استفاده در جوابیه شرکت نفت، معنایی متفاوت داشت و بر خلاف انتظار، امری دائم در رویه کاری شرکت نفت بود. شرکت نفت انگلیس و ایران، به دنبال راهکارهای مختلف برای استخدام کارگران هندی به جای کارگران ایرانی بود. به عنوان نمونه، رییس اداره کارگزینی شرکت نفت انگلیس و ایران در بمبئی در ۱۳۱۶ش اقدام به انتشار اعلانی در روزنامه‌های بمبئی کرد. در این اعلانات، از ایرانیان ساکن هندوستان برای استخدام در شرکت نفت ایران و انگلیس دعوت به عمل می‌آمد. انتشار این اطلاعیه، باعث هجوم بسیاری از هندی‌ها به کنسولگری ایران در بمبئی شد. این مراجعان پرشمار، با ادعای ایرانی نژاد بودن، خواهان دریافت گذرنامه ایرانی و استخدام شرکت نفت بودند (ساکما: ۴۶۷۶-۲۴۰).

مدتی بعد از انتشار اعلامیه‌های استخدام در شرکت نفت، سفارت ایران در دهلی با ارسال گزارشی به وزارت خارجه ایران، اعلام نمود که تعداد زیادی از هندی‌ها به کنسولگری بمبئی مراجعه کرده و ادعای تابعیت ایرانی دارند. در بخشی از این گزارش، آمده:

... هر روز، گرفتار جماعتی از این گروه هستیم که همه خود را ایرانی نژاد و بعضی هم از کثرت ولع دخول در خدمت نفت، خود را از احفاد امام زین العابدین ... قلم داده و آن حضرت را هم ایرانی می‌دانند ... (ساکما: ۴۶۷۶-۲۴۰).

کارگران هندی که با این شیوه به استخدام شرکت درمی‌آمدند، کاملاً از حیث حقوق و مزایا با کارگران ایرانی متفاوت بودند (ساکما: ۴۶۷۶-۲۴۰). این امر در شرایطی صورت

می‌گرفت که کارگران ایرانی، با بهانه‌هایی چون مشکل نظام وظیفه و یا بالا بودن سن از استخدام در شرکت نفت باز می‌ماندند. در این موقع، استخدام «یکی دو نفر از ارامنه ایرانی» (ساکما: ۴۶۷۶-۲۴۰)، از شگردها و راه حل های شرکت نفت برای تظاهر به رعایت مندرجات قرارداد و متعهد ماندن شرکت به اجرای بند شانزدهم قرارداد جدید بود.

تخلفات مورد اشاره شرکت نفت در جذب کارگران هندی در حالی روی می‌داد که اداره گمرک بندر محمره، وظیفه داشت تا تعداد کارگران هندی را به دولت گزارش دهد. حتی برای نظارت دقیق‌تر، ماموری از اداره اطلاعات نیز در گمرک خرمشهر حاضر می‌شد. اما، به نظر می‌رسد تنها مرجع اطلاع دقیق برای محاسبه و اعلام شمار کارگران هندی، مسئولان خود کمپانی بودند. زیرا، بسیاری از این کارگران از بنادر و مجاری دیگر به غیر از بندر خرمشهر وارد ایران می‌شدند. این ناکامی، امری است که خود دولت ایران آن روزگار نیز به آن معترف بود (ساکما: ۲۲۵۵۰-۲۴۰).

با آغاز جنگ دوم جهانی و بروز مسئله احتیاج روزافزون به نفت، تقاضا برای به کارگیری کارگران هندی در شرکت نفت به منظور بالا بردن ظرفیت تولید رو به افزایش گذاشت. به این ترتیب، مسئله حضور هندی‌ها در شرکت نفت به شکل سابق بازگشت. به گونه‌ای که تعداد کارگران هندی در برخی گزارش‌های رسمی، به عدد ۲۴۹۸ نفر رسیده است (اتابکی، ۱۳۹۵: ۲۶).

۱۵. نتیجه‌گیری

ارتباطات ایرانیان و هندی‌ها با یکدیگر و حضور آنها به قصد کار یا مهاجرت در سرزمین‌های همدیگر، سابقه طولانی دارد. حضور هندی‌ها در ایران زمین در اواخر قاجاریه و عهد پهلوی اول، متأثر از کشف و استخراج نفت در ایران و فعالیت انگلیسی‌ها در استخراج نفت و ایجاد تاسیسات نفتی چون پالایشگاه آبادان در مناطق جنوب ایران است. به واسطه سیاست انگلیسی‌ها در به کارگیری نیروی هندی در عملیات استخراج نفت و اداره صنایع نفتی ایران، شمار قابل توجهی از هندی‌ها به ایران آمده و در مناطقی چون خوزستان مشغول کار شدند. انگلیسی‌ها که در این ایام بر هند حکمرانی داشتند، با استفاده از ترفندهای مختلف رویه به کارگیری هندی‌ها را مستمر نگه داشته و به گونه‌ای اعتراضات گاهگاه مسئولان ایرانی به این امر را از سر گذرانیدند. هندی‌ها در ایام اشتغال در صنایع نفتی ایران، با گرفتاری‌ها و تبعیض‌های متفاوتی دست و پنجه نرم کردند. افزون

بر مخالفت گاهگاه ایرانی ها با هندی ها، انگلیسی ها هم تبعیض های چندی را نسبت به این اقلیت روا می داشتند.

با ملی شدن صنعت نفت ایران (۱۳۳۰ش) و خارج شدن انگلیسی ها از مسئولیت اداره شرکت نفت انگلیس و ایران، زمینه تدام حضور هندی ها در ایران سخت تر شد و بسیاری از آنها به موطن خود بازگشتند. در طی چند دهه پیش از ملی شدن صنعت نفت، هندی های به عنوان کارگر، پیشخدمت و کارمند صنعت نفت در جنوب ایران حضور داشته و کمابیش جایگاهی در بین مردم برخی شهرها چون آبادان پیدا کرده بودند. بعد از ملی شدن نفت، گرچه از تعداد هندی ها در شرکت نفت کاسته شد، اما برخی از مهاجران هندی مقیم جنوب ایران همچنان در ایران ماندگار شده و به کسب و کارهای دیگر روی آوردند. شماری از این قبیل هندی ها، افرادی بودند که بعد از ملی شدن صنعت نفت، با کسب موافقت مجلس شورای ملی، توانستند اجازه اقامت در ایران بگیرند. (اتابکی، ۱۳۹۵: ۳۸)

به واسطه حضور چند دهه شمار قابل توجهی از هندی ها در جنوب ایران، شاهد داد و ستدهای فرهنگی و تمدنی ایرانیان و هندیان در برخی شهرهای خوزستان هستیم. آنها، به تدریج به عنوان یک اقلیت قومی مشخص و کمی تأثیرگذار در جنوب ایران تبدیل شدند. یکی از نشانه های بارز این امر، آن که بعضی از واژگان هندی به زبان فارسی راه یافته است. از دیگر شواهد حضور طولانی هندی ها در خوزستان، حفظ اسامی و آثار برخی اماکن و بناهای بازمانده از آن روزگار در شهرهایی چون آبادان و خرمشهر است. از این میان، می توان به مواردی چون محله هندی ها، باشگاه و رستوران هندی ها، سینما، بازار و مکان های دینی آنها چون مسجد رانگونی ها اشاره کرد. حفظ این قبیل اسامی و آثار در خوزستان، گویای آن است که بعد از گذشت مدت ها از حضور هندی ها در این منطقه، دیگر آنها قومی کاملاً غریب نبوده و تا حدی، بستر تلفیق فرهنگی و نژادی و زبانی هندی ها با ایرانیان در شهرهایی چون آبادان هموارتر شده است.



تصاویر برگرفته از سایت www.petrophoto.ir

پی‌نوشت‌ها

۱. در ۱۹۰۷ به علت نارضایتی از پزشک هندی دکتر ام. وان. یانگ جایگزین او شد که در کنار طبابت امور اطلاعاتی را هم انجام می داد. (نک : حسن نیا، ۱۳۹۴: ص ۱۹۹)
۲. نام میدان نفتون در ۱۳۰۵ به مسجد سلیمان تغییر یافت.

۲۷۰ کارگران هندی صنعت نفت ایران در اواخر قاجاریه و دوران پهلوی اول

۳. بر وزن پولی به معنای کارگر، خود انگلیسیها هم کولی coolie می‌گفتند. رک: کعبی فلاحیه، ۱۳۹۵: ۲۱۸.

۴. روستایی در چهار کیلومتری مسجد سلیمان.

کتاب‌نامه

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) ۲۴۰/۸۸۰۹۳
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) ۲۴۰-۱۷۵۳۱
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) ۲۴۰-۲۸۴۸۲
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) ۲۴۰-۳۴۹
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) ۲۴۰-۲۴۸
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) ۲۴۰-۴۶۷۶
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) ۲۴۰-۲۲۵۵۰
- ابطحی، علیرضا. *نفت و بختیاری‌ها*. (۱۳۸۴) تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- اتابکی، تورج. (۱۳۹۰) «مهمانان ناراضی: فرودستان ایران در حاشیه‌های امپراتوری تزاری». *دولت و فرودستان فراز و فرود تجدد آمرانه در ترکیه و ایران*. ترجمه: آرش عزیزی. تهران: ققنوس.
- اتابکی، تورج. (۱۳۹۵) «دور از دیار، در دیاری نو». ترجمه: شهرام غلامی. *فصلنامه مردم‌نامه*. ش ۱، پاییز ۱۳۹۵.
- بازماندگان خمیری، احمد. (۱۳۹۰) «بندرعباسی در دوره صفوی بر اساس سفرنامه‌های اروپایی». *پژوهشنامه خلیج فارس*. دفتر سوم.
- برلز، اچ، تی. (۱۳۹۵) *گزارشی بر میدان نفتی ذهاب (چیاسرخ) ترجمه: عبدالرضا مقدسی*، تهران: موزه‌ها و اسناد صنعت نفت ایران.
- بهبودی، هدایت الله. *روز شمار تاریخ معاصر ایران*. (۱۳۸۸) ج ۲. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- بیات، کاوه. (۱۳۹۰) «در کنار یا برکنار از کارگران ایران: آبادان اردیبهشت ۱۳۰۸» *دولت و فرودستان فراز و فرود تجدد آمرانه در ترکیه و ایران*. به کوشش: تورج اتابکی. ترجمه: آرش عزیزی. تهران: ققنوس.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۹) *صفویهدر عرصه دین و فرهنگ و سیاست*. ج ۲. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جمشید نوری. شهرام رضانی. "نقش بانیان و تجار هندی در اقتصاد ایران عصر صفوی". *مجله پژوهشهای تاریخ ایران و اسلام*. ش ۲۱، ۱۳۹۴. ص ۱۶۵.

- حبل‌المتین. س ۱۳، ش ۳، یازدهم رجب ۱۳۲۳.
- حسن نیا، محمد (۱۳۹۴) تاریخ نفت ایران ۱۹۰۱-۱۹۱۴. تهران: امیرکبیر.
- حسینی خاتون آبادی، سید عبدالحسین (۱۳۵۲) وقایع السنین و الاعوام. به تصحیح: محمدباقر بهبودی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- خوزستانی، محمود. «معامله شرکت نفت جنوب با کارگران» شفق سرخ، ش ۱۰۵۷، هشتم مهر ماه ۱۳۰۷.
- سیلوا ای فیگروا، گارسیا. (۱۳۶۳) سفرنامه دن گارسیا دیلو فیگوئروا. ترجمه: غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- شفق سرخ. س ۱، ش ۴۱. ششم سرطان ۱۳۰۱/ غره ذی القعدة الحرام ۱۳۴۰.
- عباس شهینی، دانش (۱۳۷۴). تاریخ مسجد سلیمان. تهران: هیرمند.
- فلور، ویلم. (۱۳۷۱) اتحادیه های کارگری و قانون کار در ایران ۱۹۰۰-۱۹۴۱. ترجمه: ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات توس.
- فلور، ویلم. «شروع روزگار مدرن آبادان» www.abadan.wiki
- کعبی فلاحیه، احمد. «مسجد رانگونی ها نماد معماری هندی در شهر آبادان» www.petromuseum.ir.
- کعبی فلاحیه، احمد (۱۳۹۳). واژگان هندی در گویش مردم آبادان. تهران: اندیشه فردا.
- کعبی فلاحیه، احمد (۱۳۹۵) واژگان هندی در گویش بومی خوزستان. تهران، مولف.
- کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۰) سفرنامه کمپفر. ترجمه: کیکاووس جهاندار. تهران: خوارزمی.
- معتقدی، ربابه و شیخ نوری، محمد امیر و اتابکی، تورج (۱۳۹۲) «صنعت نفت و تحول جمعیتی و شغلی در مناطق نفت خیز جنوب ایران» تحقیقات تاریخی اجتماعی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. س سوم، ش دوم، پاییز و زمستان.
- موحد، محمدعلی. (۱۳۹۴) خواب آشفته نفت از قرارداد داری تا سقوط رضا شاه. تهران: کارنامه.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۸۴) مذاکرات مجلس اول ۱۳۲۴-۱۳۲۶. تهران: مازیار.
- نفت چیا سرخ کرمانشاه منتخبی از اسناد حکومتی عبدالحسین میرزا فرمانفرما. (۱۳۹۴) به کوشش: منصوره اتحادیه، اسماعیل شمس، سعید روحی. تهران: نشر تاریخ ایران.
- نفت در دوره رضا شاه: اسنادی از تجدید نظر در امتیازنامه داری. (۱۳۷۸) تهیه و تنظیم: اداره کل آرشیو اسناد و موزه دفتر رییس جمهور. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ویلسون، آرنولد تالبوت (۱۳۹۴). سفرنامه ویلسون در جنوب غربی ایران. ترجمه و حواشی: علی محمد ساکی. به کوشش: فریبرز ساکی مهر. خرم آباد: شاپورخواست.
- یعقوبی نژاد، علی. ۱۳۷۳، رییس نفت. تهران: یادواره کتاب.

۲۷۲ کارگران هندی صنعت نفت ایران در اواخر قاجاریه و دوران پهلوی اول

Political Diaries of the Persian Gulf(1990).vol.5. England: Redwood press ltd.

www.petrophoto.ir

Archive of Anglo-Persian Oil Company (British Petroleum Archive), ARC 176326; George Thomson, 'Abadan in its Early Days', Naft 7, no. 4 (1931),July.

British National Archive Fo 460/3 Mohammerah November 3 1909.

British National Archive Fo 460/3 Mohammerah March 29 1911.

www.abadan.wiki

www.historiae.org/abadan.as

